



۲۰۱۷/۰۵/۲۴

مصطفی «عمرزی»



همه می نالند؟!



تثبیت رسوایی نادر نادری در کمیسیون اصلاحات اداری، از بام حکومت ائتلافی افتید. این اداره که قبلاً در ریاست احمد مشاهد (داماد ملا ربانی) در حد فاقد حیثیت، نمونه ای از انحصار، فساد اداری و غیر ضروری می نمود، بار دیگر در شمار ادارات بی معنی، خیرساز می شود. سر و صدا های اعتراضی فعالان مدنی پشتون در اعتراض به سازش نو که بر اثر آن، کمیت و کیفیت پشتون ها، از تاثیر می افتد، عمل نوی نیست که نادر نادری، به ابتکار رسیده باشد. در تمام حاکمیت کرزی و دنباله اش (دولت ائتلافی) سلوک سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در انحراف نگرش جهانی، با تبعیض هایی به همراه

بوده است که اگر ریش حکمتیار را سفید کردند تا پس از باران کمک ها و تاراج کرسی ها هبوط کند و از رهگذر تحریف طالبان در نقش گروه ضد مدنی، حقایق پنهان بمانند که پس از سقوط آنان، بی عدالتی های محض اجتماعی با دست درازی به زنده گی پشتون ها، هزاران نمونه دارد، امثال نادری ها از فرصت هایی سود می برند که می بینند به اصطلاح نماینده گان نکتابی دار و ریشدار پشتون ها، در سردرگمی ناشی از نفهمی منافع ملی، گاه با عاطفه و زمانی در جاذبه های اخونیزم، امتیاز داده اند. به راستی که وقتی کرزی پس از پخش گسترده ی نشرات ضد افغانستان و پشتون ها، کنفرانس توجیه آزادی های بیان می داد، به این معنی می رسیم که در ساخت و ساز این بنای مشکل دار، سهم منفی مرئوسین پشتون، کمتر از آن اعضای جمعیت، شورای نظار و وحدتی هایی نیست که در کنار هم، تا به جایی راه یابند، سلسله ی نصب و مقررری را ارثی می سازند. مجموعه ای از این تشکل و قیج، چند سال پس از پایان ریاست کرزی، به گونه ای در همه جا مسجل شده است که پس از مصلحت یا رحلت، اگر جا خالی می کنند، سهمیه ی قومی آنان به عنوان اصل وحدت ملی، جلو کسانی را می گیرد که در شایسته سالاری، مورد نیاز اند.

گاه کرزی را مسخره می کردند که با کاربرد ادبیات قرن نوزده، در شرایطی صحبت می کند که با فاصله ی یک قرن، خیلی تغییر کرده است. من شک ندارم که مشاوران او، به خصوص در کلاس بزرگ سالان، که مجموعه ای از بقایای رژیم کمونیستی نیز بودند، در پُر بودن ظرفیت های خودشان در عدم فراگیری مسایل نو، دهن کرزی را رنگین می کردند تا با داشته های تاریخ گذشته ی آنان، تبارز کنند.

پس از تدویر لویه جرگه ی امضای پیمان استراتژیک با امریکا، که آب سردی بر آتش مصنوعی کرزی بود، زیرا از دور ترین نقاط افغانستان برای اتحاد با امریکا، رای دادند، متاسفانه واقعیت هایی به حاشیه می مانند که در چه گونه گی برداشت مردم از قضایا متمرکز می شوند.

شعور توده ها در تجربه ی سال ها رنج، به این ذهنیت رسیده است که خودمحموری های شخصی، هرگز به مفهوم کیش شخصیت، به گونه ای منجر نخواهند شد که در شرایط باز کنونی، شعور جمعی را در هر مساله ای به گرو بگیرند. حقیقت این که مردم بر اساس مفاد خویش رای می دهند، در چند بُعد، مهم می شود.

کرزی، باوجود هزینه های گزاف جرگه، به انتخاب مردم، احترام نگذاشت، اما هرگز به خود نیامد که مردم، فراموش خواهند کرد که در طول تمام حاکمیت او، در جایی که مساله ی حقوق تبارش مطرح بود، از جفایی یاد خواهند کرد که در جبر آن روزگار، به مثال هایی برسیم که چه طور تیم موآلف، به ستیز با قوم اش ابعاد می دادند و بخشی از کار فرهنگی- مدنی آنان، ضیاع حقوقی بود که در ساختار قومی کنونی، حتی اگر یک پشتون هم به حق اش نرسد، بحران سیاسی پایان خواهد یافت.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در هیاهوی قضیه ی نادری، در پس منظر این رفتار زشت، واقعیت هایی وجود دارند که بایسته است با تحلیل آن ها، به حقایق نزدیک شویم که اشمناز پشتون ستیزی های گروهک ها، منشه در سیاست هایی دارد که در گذشته ی سیاسی بیش از یک دهه، به همه نام، کسانی از نشانی انتساب به تبار ما، اما در ضیاع حقوق قومی، در اجحافی سهم گرفتند که وقتی در سال پار و در سال روان، بر مجموعه ای از عناصر ضد این مملکت نیز نشان و مدال دادند، از کسانی غافل نشویم که با توجه بر امتیازات شخصی، باعث شده اند امثال نادری ها، به نام مصالح ملی، ریشه ی تفکر ملی را خشک کنند.

در شمار بسیاری از جوانان پشتون، در ده سالی که از زحمات طاقت فرسای فرهنگی ام می گذرد، با کوله باری از 28 عنوان کتاب منتشره و زحمات رسانه یی و ادبی گسترده، در ردیف تماشاچیانی نشسته ام که با حق تلفی های دایمی حقوق شان، شاهد کارنامه ی کسانی اند که به نام مصالح ملی، بخشش می کنند و در ادامه ی این سنت، در نوبت افراد نو، اما در جایی قدم می گذارند که تیم قبلی حاکمیت، تا اخیر نفهمید پس از آن همه عطیه، به مجرد دور شدن، چرا و ولیم لادسپیکر های توهین، حتی یک لحظه ای هم، پایین نمی آید؟

وقتی در شمار بعضی از فرهنگیان خوب، به چند پسرک گستاخ و بی سواد نیز مدال دادند که کار روزانه ی آنان، توهین به امثال کرزی ها و غنی هاست، در بهانه ی این مقاله، فرصتی به دست آمد تا به فعالان معترض پشتون، گوشزد کنیم: از «از خود کش بی گانه پرست، توقع نکنند!» باید سراغ کسانی برویم که روزی، محمود کرزی را واداشته بود، در حلقه ی معامله گران، حتی با هتک حرمت به احمد شاه بابا (که خدا کند دروغ باشد)، واقعیت هایی را نمایش دادند که اگر سهم قومی ما زیر پا می شود، مجموعه ای از افراد بی خاصیت، سست عنصر و «تش په نامه» در دولت سهم داشته اند و در اداره ای که مردم یک منطقه ی کوچک با جمعیت کمتر از 100 هزار نفر که حالا به حد 40 هزار رسیده است، با صد ها جنرال، از اردو تا تمام دوایر دولتی می خورند، جای پای یک وحدتی، به معنی رخنه در گدام دولتی ست که از این طریق، در رقابت استخدام، ریکارد گذاشته اند و مهاجرین اروپایی و امریکایی آنان با بورسیه های زمان کرزی و غنی، هرگاه فرصت بیابند، توهین به کرزی و غنی را چانس تبارز استعداد ها و نمایش شخصیت می دانند، خوب است در زمانی که همانند قضیه ی نادری ها، ناله و نالش می کنند، سراغ کسانی بروند که در استخدام جوانان با جرات، آگاه و فهیم پشتون، دست شان می لرزید. آنان در مجموعه ی ناصحان به دولت رسیده، از آدرس ما می خوردند و اما توصیه می کردند شما نمی دانید. ما می دانیم که درونش شما را خراب کرده است و بیرونش ما را، اما به این معنی نیست که چیزی کتمان شود. وقتی شبکه ی شوروی نظار با تار دوانی در همه جا، از کوچکترین های مکالمه و خلوت های مرئوسین، خبر می سازند که نمونه ی گزارشنامه ی رزاق مامون، از نمونه های پرودکاست اش است، اعتراض ما بی جا نیست که اندرون ارگ، غم درونی بزرگ ملت می شود.

در سلسله ی منتقدان در هیاهو و هلله ی نقد، کسانی اعتراض می کنند که در تجربیات کار در چند سال ریاست کرزی، یاد شان رفته بود، وقتی بودند، چه گلی به آب داد اند که حالا در شور و التهاب، در واقع در بی کاری های سیاسی، زور می زنند حق پشتون ها سلب می شود!

مردم ما با تجربه ی ستم، با حس تبعیض، به خوبی آگاه شده اند و خبررسانی این حقیقت، به آن پشثونی نیز می رسد که در دورترین نقطه ی کشور، در محرومیت های مضاعف، اما می داند که آن چه به نام او صف بسته اند، از آن او نیستند. تیم کرزی در توهم برداشت های خودش که هنوز در موضع امریکایی ستیزی محیلانه، درگیر است، پنداشته بود شافی می یابد، اما مردم، کسانی را نخواهند بخشید که در میراث خود، مردمانی را ابقا کرده اند که هیچ لحظه ای را از خیانت به قوم آنان، از دست نمی دهند.

طیاف تباری ما، در رسته ی فعال مدنی، فرهنگی، رسانه یی و سیاسی، در دسته ای که آلوده نیست، می داند که باید برای خواسته هایش مبارزه کند، اما در پاکی این امر، صدا هایی ناخوش اند که به نام ما، همه چیز شدند، اما از سهم ما در خوان دشمنانی گذاشتند که در حضور تشکیلاتی دولتی، روزی نیز از رسانیدن آسیب به ما غافل نمی شوند.

امتیاز به جناح های آلوده ی سیاسی تا نهایت روشننگری بر ارزش های صفری آنان، همنوایی با اغتشاشی ست که در شکل مکرر کنونی، دولت را به مجموعه ای از «پتره» هایی مبدل می کند که گویا فقط از وصل آن ها، اتحاد می آید.

در توزیع قومی قدرت، در حالی که گونه گونی بسیاری از تبار ها، عدم می شود، در بی موزانه گی آن چه پخش شده است، به سهم مردمی چشم می دوزند که به جز چند نکتایی دار و ریشدار سیاسی، در واقع در تحریف گروهک های ستمی، اما در حاکمیت، درست می شود. بلی، در حاکمیتی که در تشکیلات اش به ما، طرح خیانت می ریزند، در اقلیت استیم.

در دلخوری خبر هایی وقاحت نادری، اعتراض می کنیم که بگذارید حق ما از نشانی محرومان بلند شود. صدای خاینان معامله گر که تا دیروز، در ریف تشکیلات معامله و ائتلاف دلیل می آوردند زیاده روی دوستان غیر قومی شان، مهم نیست، هرگز خوش نیست. شماییاتی که دست تان در استخدام همتباران می لرزید، حق ندارید بنالید! این ها (نادری ها) در غیابت ما، خیانت می کنند.